

یکشنبه 29 آبان 24 ذی الحجه 20 نوامبر

مباهله پیامبر(ص) با نصارای نجران در سال نهم هجری قمری ...

**مباهله پیامبر(ص) با نصارای نجران در سال نهم هجری قمری**

پس از فتح مکه معظمه و طائف و مسلمان شدن اهالی یمن و عمان، تقریباً تمامی مناطق جزیره العرب در پوشش نظام اسلامی و حکومت توحیدی پیامبر اکرم(ص) قرار گرفت.

اما در این منطقه بزرگ عربی، اقوام، قبایل و طوایفی بودند که هنوز در برابر اسلام، تسلیم نشده و یا حتی دشمنی و فتنه انگیزی می کردند.

منطقه نجران، که در حد فاصل حجاز و یمن قرار دارد، در عصر پیامبر(ص)، تنها منطقه مسیحی نشین حجاز بود که مسیحیان مقیم آن، با پشتیبانی های کشور های مسیحی شاخ و شمال آفریقا و قیصر روم، ادامه حیات می دادند.

پیامبر(ص) برای بزرگان این منطقه نامه هایی ارسال کرد و آنان را به پذیرش دین اسلام و یا پرداخت جزیه [مالیات ویژه اهل کتاب] فرا خواند.

سران مسیحی نجران درباره نامه پیامبر(ص) به مشورت پرداخته و با افراد زیادی در این باره گفتگو کردند. ولی به خاطر تبلیغات و فضای ویژه مسیحیان در آن منطقه، آنان هیچ یک از پیشنهادهای رسول خدا(ص) را نپذیرفتند و برای رفع این معضل، سه تن از بزرگان نجران، یعنی: ابو حارثه بن علقمه [اسقف اعظم نجران و نماینده رسمی کلیسای روم در حجاز]، عبدالمسیح بن شرحبیل معروف به عاقب [پیشوای اهالی این منطقه] و اهتم [یا ایهم] بن نعمان معروف به سید [شخصی که سنال و ریش سفید مورد احترام نجرانیان] به همراه ده تن و به روایتی سی تن و به روایتی دیگر شصت تن از مسیحیان نجران عازم مدینه منوره شده تا با رسول خدا(ص) به گفتگو بپردازند و راه حلی پیدا نمایند.

آنان، پس از ورود به مدینه منوره، وارد بر پیامبر خدا(ص) در مسجد النبی شدند، ولی پیامبر(ص) اعتنای چندانی به آنان ننمود. مسیحیان علت آن را نمی دانستند و به نزد عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف که پیشینه آشنایی با آنان داشته رفتند و علت آن را جویا شدند. ولی آن دو نیز چیزی در این باره نمی دانستند و آنان را به نزد امام علی بن ابی طالب (ع) راهنمایی کرده برده و از آن حضرت، علت آن را پرسیدند.

امام علی(ع) فرمودند: چون شما با لباس های فاخر و تزئین کرده و صلیب به گردن آویخته وارد مسجد شدید، پیامبر(ص) را از کردارتان ناخوش آمد، باید لباس های خود را تغییر داده و با وضع ساده و بدون هیچ گونه تزئین به زر و زیوری بر آن حضرت وارد شوید، تا مورد استقبال وی قرار گیرید.

مسیحیان نجران، بر اساس فرموده حضرت علی(ع)، لباس و ظاهر خود را تغییر داده و با وضع ساده و عادی بر پیامبر(ص) وارد شدند و با آن حضرت به گفتگو پرداختند.

پیامبر(ص) با آنان در باره توحید و شرک، نحوه آفرینش حضرت عیسی (ع) و ارتباط وی با خدای سبحان و باطل دانستن عقاید مسیحیان گفتگو کرد، اما سران نجران گفتار آن حضرت را نپذیرفته و بر عقاید باطل خویش اصرار ورزیدند.

آنان، برای فرار از پذیرش حق، پیشنهاد مباهله دادند. بدین معنا که در وقت معین، در جایی به عبادت و راز و نیاز به درگاه خداوند متعال پرداخته و بر طرف مقابل نفرین کنند تا خداوند متعال، بر دروغ گو و باطل گرا عذابی نازل کرده و او را نابود سازد.

در همین زمان بر پیامبر(ص) آیه ای نازل شد و از مباحله بامسیحیان استقبال کرد. [فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكَ مِنَ الْعِلْمِ فُتِلْ تَعَالَوْا تَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاؤَكُمْ...] بنا بر این، طرفین به مباحله رضایت داده و قرار شد در روز دیگر، در مکانی در بیرون شهر مدینه گرد هم آمده و اقدام به مباحله نمایند.

سران نجران، پیش از رسیدن به مکان مباحله به یکدیگر گفتند: اگر رسول خدا(ص) با فرماندهان و یاران خود به مباحله آمد، معلوم است که مقاصد دنیوی دارد و از رسالت و نبوت او خبری نیست و ما باید با وی مباحله کنیم. اما اگر با فرزندان و اهل بیتش برای این کار اقدام کرد، دانسته می شود که او مقاصد دنیوی ندارد و قصدش هدایت و راهنمایی انسان ها از جهالت و کفر و شرک است. در آن صورت، مباحله کردن با او خطرناک است و باید به او ایمان آورد و یا حداقل با وی مصالحه کرد.

موعد مقرر فرا رسید و پیامبر(ص) به همراه دخترش حضرت فاطمه زهرا(س) و دامادش حضرت علی(ع) و دو سبطش حضرت امام حسن (ع) و حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) از مدینه حرکت کرد و به جایگاه مقرر رفت. مسلمانان مدینه نیز آن حضرت را مشایعت کرده و با ذکر صلوات، سلام و تکبیر، آنان را همراهی می نمودند.

مسیحیان نجران، زودتر از پیامبر(ص) در مکان مقرر اجتماع کردند. آنان همین که دیدند پیامبر(ص) نزدیکترین اقربا و اهل بیت ویژه خویش را برای مباحله آورد، احساس خطر کرده و از مبارزه و مباحله با آن حضرت منصرف شدند و منظره زیبا و نور بخش حضور پیامبر(ص) به همراه امام علی(ع) و فاطمه زهرا(س) و حسنین(ع)، آنان را مات و مبهوت کرد. به ناچار از مباحله سر باز زده و به آن حضرت پیشنهاد مصالحه دادند.

بدین ترتیب. در برابر عظمت و حقانیت دین مبین اسلام سر فرود آورده و به یکی از پیشنهاد پیامبر(ص)، یعنی پرداخت جزیه و کمک به مسلمانان در جنگ با دشمنان اسلام، رضایت دادند و صلحنامه ای در این باب تحریر کرده و طرفین امضا نمودند.

این واقعه، علاوه بر این که یکی از معجزات بزرگ پیامبر(ص) است، دلیل روشنی بر حقانیت و معصومیت خاندان پاک رسول خدا(ص) یعنی حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین[صلوات الله علیهم اجمعین] می باشد.

شایان ذکر است که برخی از تاریخ نگاران و سیره نویسان، مباحله را در ذی حجه سال دهم برشمردند، ولی با توجه به اینکه پیامبر(ص) پس از مباحله، حضرت علی(ع) را به یمن اعزام نمود و اعزام آن حضرت در رمضان سال دهم قمری بود، بی تردید باید رویداد مباحله در ذی حجه سال نهم قمری باشد، نه در دهم.

انگشتر بخشی حضرت علی(ع) به مستمند و نزول آیه ولایت در سال دهم هجری قمری

حذیفة بن یمان [از یاران معروف رسول خدا(ص)] روایت کرد: پیامبر اکرم(ص)، دامادش حضرت علی(ع) را به یمن اعزام نموده بود و چون خودش قصد حجة الوداع کرد، به علی(ع) پیام داد که او نیز برای انجام حج به مکه رود. آن دو در مکه معظمه به یکدیگر رسیدند و ما در آن هنگام همراه رسول خدا(ص) بودیم. روزی، حضرت علی(ع) به جانب کعبه رفت و در آن جا به نماز مشغول بود و در آن هنگام مستمندی از راه رسید و از مردم درخواست کمک می کرد و چون به حضرت علی(ع) رسید، آن حضرت در حال رکوع بود، پس در همان حال، انگشتر خود را از دستش بیرون آورد و آن را به مستمند بخشید.

ما که در حضور رسول خدا(ص) بودیم، مشاهده نمودیم که بر آن حضرت آیه ای نازل گردید و آن حضرت، آیه جدید النزول را برای ما قرائت کردند و آن عبارت بود از: **إِذَا وَ لِيَكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.**

پیامبر (ص) برای نزول آیه، تکبیر گفت و سپس به مافرمود: بر خیزید برویم ببینیم این صفاتی را که خداوند متعال در این آیه بیان کرده است، در باره چه کسی می باشد؟ چون پیامبر(ص) وارد مسجد الحرام گردید، فرد مستمندی را دید و از او پرسید: از کجا می آیی؟

گفت: از نزد آن مرد نماز گذار می آیم، که حلقه انگشتری خود را در حال رکوع، به من بخشید. پیامبر(ص) بار دیگر تکبیر گفت و جلو تر رفت، تا به علی(ع) رسید، که در حال خواندن نماز بود. از او پرسید: ای علی! امروز بر تو چه گذشت؟

حضرت علی(ع) داستان مرد نیازمند و انگشتر بخشیدن خود به وی را برای رسول خدا(ص) باز گو کرد و پیامبر(ص) با شنیدن آن

داستان، برای بار سوم، تکبیر گفت.

این فضیلت دیگری برای مولای متقیان امیر مومنان(ع) است که در قرآن مجید بیان گردید و خداوند متعال با نزول چنین آیه هایی، زمینه معرفی آن حضرت را برای جانشین رسول خدا(ص) فراهم می کرد، تا پس از رحلت رسول خدا(ص) امت اسلام بدون رهبر و پیشوا نمانند.

اولین قانون جامع مالیات بردرآمد ایران در سال 1312 هجری شمسی

اولین قانون جامع مالیات بردرآمد ایران در سال 1312 هجری شمسی به تصویب رسید. در این قانون بطور کلی اصول مالیاتهای شخصی امروزی رعایت شده و مشمولین مالیات بر طبق دو قانون مذکور به پنج طبقه تقسیم می شدند و مالیات هر طبقه بر طبق نرخ جداگانه و متفاوتی وصول می شد. در حقیقت قانون سال 1312 مجموعه ای از مالیاتهای جداگانه برای هر یک از چندین نوع درآمد بود.

درگذشت «حسن مشیرالدوله پیرنیا» در سال 1314 هجری شمسی

«حسن مشیرالدوله پیرنیا» در سال 1314 هجری شمسی در اثر سکت قلبی درگذشت. او فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و از رجال سیاسی ایران بود که بارها به مقام وزارت و نخست وزیری رسید. مشیرالدوله مؤلف کتاب تاریخ ایران باستان است که در سه جلد منتشر شده و از قدیم ترین زبان تا انقراض اشکانیان را در بر می گیرد.

کشف آثار حجاری شده اقوام گذشته با قدمت 5000 ساله در سال 1368 هجری شمسی

آثار حجاری شده اقوام گذشته با قدمت 5000 ساله در سال 1368 هجری شمسی در حومه همدان کشف شد. بدنبال کشف این آثار گروه تحقیق در پی کاوش و جمع آوری انواع کانیها به نمونه هایی از حجاری بر روی سنگ برخورد کردند که در نوع خود بی نظیر و برای اولین بار در ایران کشف شده بود.

آغاز عملیات نصر 8 در سال 1366 هجری شمسی

«عملیات نصر 8» در سال 1366 هجری شمسی با رمز عملیاتی یا محمد بن عبدالله(ص) در منطقه عملیاتی ماووت در استان سلیمانیه عراق آغاز شد. هدف از انجام این عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات گرده رش بود که با موفقیت و رشادتهای قوای ظفرمند اسلام به پایان رسید.